



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۶ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۳۰ جمادی الاولی ۱۴۴۱

جلسه: ۲۵

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۹۳ بود. عرض شد که در این مسأله در دو مقام بحث می‌شود؛ مقام اول، این بود که اگر شخص بعد از نماز در وضو و عدم وضو شک کند به صحت نمازی که خوانده است حکم می‌شود، لکن باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد. مقام دوم، این بود که اگر شخص در اثناء نماز در وضو و عدم وضو شک کند باید نمازش را بشکند و وضو بگیرد و دوباره نماز بخواند یا اینکه آن نماز را با همان حالت تمام کند و سپس وضو بگیرد و دوباره نماز بخواند.

در رابطه با مقام دوم، عرض شد که اگر شخص در اثناء نماز شک کند که وضو دارد یا وضو ندارد، نمی‌تواند قاعده فراغ جاری کند زیرا مورد فراغ، جایی است که شخص از حالت نماز خارج شده باشد، در حالی که در فرض مذکور، شخص در حال نماز خواندن است و هنوز نمازش تمام نشده است. قاعده تجاوز نیز جاری نمی‌شود زیرا طهارت، محل معینی ندارد تا گفته شود که از این مرحله تجاوز شده است و بر صحت آنچه انجام شده است بنا گذاشته می‌شود چون طهارت از ابتدای نماز تا آخر نماز باید تداوم داشته باشد و وقتی گفته می‌شود «لا صلاة الا بطهور» معنایش این است که طهارت از شرائط مقارنه با جمیع اجزاء صلاة است، یعنی هر جزئی از اجزاء صلاة باید همراه با طهارت انجام شود و طهارت، مثل جزئی از اجزاء نماز، از قبیل رکوع نیست که گفته شود از محل آن تجاوز شده است لذا به شکی که در رابطه با آن جزء باشد، اعتنا نمی‌شود، بلکه طهارت، مثل لزوم قبله و ستر عورت است که از ابتدای نماز تا آخر نماز باید این حالت وجود داشته باشد. بنابراین، در صورت شک در اثناء نماز شخص باید نماز خود را بشکند و وضو بگیرد و دوباره نماز بخواند یا اینکه نمازش را با همان حالت تمام کند و سپس وضو بگیرد و نمازش را با وضو بخواند.

نکته: در رابطه با بحث طهارت دو دیدگاه وجود دارد؛

دیدگاه اول، اینکه طهارت، اثر حاصل از غسلات و مسح است و منظور از اینکه طهارت با تمام اجزاء نماز باید مقارنت داشته باشد، طهارت به همین معناست.

دیدگاه دوم، این است که طهارت عبارت از نفس غسلات و مسح است که در این صورت، حکم طهارت مثل حکم اذان و اقامه خواهد بود و همان‌طور که در بقیه موارد که محل معینی دارند و وقتی از آن محل تجاوز شود با تمسک به قاعده تجاوز به شک نسبت به آن محل اعتنا نمی‌شود در رابطه با طهارت نیز به قاعده تجاوز تمسک می‌شود و گفته می‌شود که این طهارت قبل از نماز اتفاق افتاده است و الآن اگر در وسط نماز شک شود که آیا با طهارت وارد نماز شده است یا با طهارت وارد نماز نشده است، با تمسک به قاعده تجاوز به حصول طهارت حکم می‌شود زیرا از محل آن که غسلات و مسح قبل از نماز بوده است، تجاوز شده

است. بنابراین، طبق دیدگاه دوم، زمینه برای جریان قاعده تجاوز وجود دارد، ولی طبق دیدگاه اول، نمی‌توان قاعده تجاوز را جاری کرد.

مسئله ۵۹۳: «إِذَا تَيَقَّنَ بَعْدَ الْوُضُوءِ أَنَّهُ تَرَكَ مِنْهُ جُزْأً أَوْ شَرْطاً أَوْ أَوْجَدَ مَانِعاً ثُمَّ تَبَدَّلَ يَقِينُهُ بِالشَّكِّ يَبْنِي عَلَى الصَّحَّةِ عَمَلًا بِقَاعِدَةِ الْفَرَاغِ وَلَا يَضُرُّهَا الْيَقِينُ بِالْبَطْلَانِ بَعْدَ تَبَدُّلِهِ بِالشَّكِّ وَلَوْ تَيَقَّنَ بِالصَّحَّةِ ثُمَّ شَكَّ فِيهَا فَأُولَى بِجَرَيَانِ الْقَاعِدَةِ»^۱.
مسئله مذکور، دو فرع دارد؛

فرع اول، اینکه اگر شخص بعد از وضو یقین پیدا کرد که جزئی از اجزاء وضو یا شرطی از شرائط وضو را ترک کرده است یا یقین پیدا کرد که مانعی در اعضای وضو ایجاد کرده است، سپس یقینش به شک تبدیل شد، از باب تمسک به قاعده فراغ بر صحت وضو بنا گذاشته می‌شود و یقین به بطلان [قبلی] بعد از تبدل آن یقین به شک، به قاعده فراغ ضرری نمی‌زند. دلیل جریان قاعده فراغ در این فرع این است که یقینی معتبر است که استمرار داشته باشد و یقین در فرض مذکور، استمرار نداشته، بلکه زایل شده و به شک تبدیل شده است لذا چنین یقینی اعتبار ندارد و حکم شک این است که با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضو حکم می‌شود.

فرع دوم، اینکه اگر شخص به صحت وضو یقین داشت، سپس در صحت آن وضو شک کرد، اولی این است که قاعده فراغ جاری می‌شود.

دلیل حکم مذکور در این فرع نیز همان دلیلی است که در فرع اول ذکر شد. معنای اینکه مرحوم سید (ره) در این فرع [فرع دوم] فرموده است که اولی این است که قاعده فراغ جاری می‌شود این است که وقتی که شخص نخست به بطلان وضو یقین داشته باشد و بعد این یقین به شک تبدیل شود، قاعده فراغ جاری می‌شد در این فرض که شخص از ابتدا یقین به صحت وضو داشته است و سپس در آن صحت شک کرده است، به طریق اولی قاعده فراغ جاری می‌شود.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که مقصود مرحوم سید (ره) از اولویت [که در فرع دوم فرموده است که به طریق اولی، قاعده فراغ جاری می‌شود]، اولویت در مقام ثبوت و واقع است و مقصود ایشان اولویت در مقام اثبات، یعنی مقام بیان دلیل نیست چون در مقام بیان دلیل، اولویتی در کار نیست و دلیل، اطلاق دارد و هر دو مورد [فرع اول و دوم] را شامل می‌شود و در هر دو مورد قاعده فراغ جاری می‌شود بدون اینکه جریان آن در فرع دوم اولی از جریان آن در فرع اول باشد.

مسئله ۵۹۴: «إِذَا عَلِمَ قَبْلَ تَمَامِ الْمَسْحَاتِ أَنَّهُ تَرَكَ غَسْلَ الْيَدِ الْيُسْرَى أَوْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَآتَى بِهِ وَتَمَّمَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ عَلِمَ أَنَّهُ كَانَ غَسْلُهُ يَحْتَمِلُ الْحَكْمَ بِبَطْلَانِ الْوُضُوءِ مِنْ جِهَةِ كَوْنِ الْمَسْحَاتِ أَوْ بَعْضِهَا بِالْمَاءِ الْجَدِيدِ لَكِنْ الْأَقْوَى صَحَّتُهُ لِأَنَّ الْغَسْلَةَ الثَّانِيَةَ مُسْتَحَبَّةٌ عَلَى الْأَقْوَى حَتَّى فِي الْيَدِ الْيُسْرَى فَهَذِهِ الْغَسْلَةُ كَانَتْ مَأْمُورًا بِهَا فِي الْوَاقِعِ فَهِيَ مُحْشَوِيَةٌ مِنَ الْغَسْلَةِ الْمُسْتَحَبَّةِ وَلَا يَضُرُّهَا نِيَّةُ الْوُجُوبِ لَكِنْ الْأَحْوَطُ إِعَادَةُ الْوُضُوءِ لِاحْتِمَالِ اعْتِبَارِ قَصْدِ كَوْنِهَا ثَانِيَةً فِي اسْتِحْبَابِهَا. هَذَا وَلَوْ كَانَ آتِيًا بِالْغَسْلَةِ الثَّانِيَةِ الْمُسْتَحَبَّةِ وَصَارَتْ هَذِهِ ثَالِثَةً تَعَيَّنَ الْبَطْلَانُ لَمَّا ذَكَرَ مِنْ لَزُومِ الْمَسْحِ بِالْمَاءِ الْجَدِيدِ»^۲.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. همان.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص قبل از اتمام مسحات یقین پیدا کند که شستن دست چپ را ترک کرده است یا در شستن دست چپ شک کند، پس آن را انجام داد [، یعنی دست چپش را شست] و وضو را تمام کرد و بعد از آن یقین پیدا کرد که دست چپ را شسته بوده است که در این صورت، محتمل است که به بطلان وضو حکم شود زیرا مسحات [مسح سر و پاها] یا بعضی از مسحات با آب جدید [آب غیر وضو] انجام شده است، لکن اقوی این است که به صحت وضو حکم شود زیرا شستن مرتبه دوم بنا بر اقوی مستحب بوده است، هرچند که آن شستن دوم مربوط به دست چپ باشد، پس آن شستن دوم در واقع مأثورّه [به امر استحبابی] بوده است، پس آن شستن دوم مستحب بوده است و نیت وجوب به مستحب بودن شستن مرتبه دوم ضرری نمی‌زند [زیرا شستن مرتبه دوم از باب اشتباه در تطبیق است چون اگر می‌دانست که وظیفه‌اش وجوب نیست و مستحب است قطعاً نیت استحباب می‌کرد]، لکن احتیاط [مستحب] این است که وضو اعاده شود زیرا لزوم قصد استحباب در شستن دوم، محتمل است ولی اگر شخص علم پیدا کند یا شک کند که دست چپش را نشسته است و دست چپش را شست، سپس معلوم شد که دو بار دست چپش را شسته بوده است، یک بار از باب وجوب و یک بار نیز از باب استحباب، در این صورت که برای مرتبه سوم دست چپش را شسته است، وضو باطل است چون مسح با آب جدید لازم می‌آید.

«الحمد لله رب العالمین»